

تحلیلی بر روابط عربستان و پاکستان

روابط نزدیک نظامی، وابستگی متقابل اقتصادی و همکاری‌های دیپلماتیک، مشخصه اصلی روابط پاکستان با کشورهای حوزه خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی است. عربستان سعودی در طول دهه‌های گذشته از پاکستان در بحران‌های اقتصادی حمایت کرده و تأمین‌کننده نفت مورد نیاز این کشور نیز بوده است. امارات متحده عربی نیز اقدام به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های پاکستان کرده و به توسعه اقتصادی این کشور کمک کرده است. قطر هم‌گاز LNG پاکستان را تأمین می‌کند، در حالی که عمان به دلیل نزدیکی جغرافیایی از اهمیت استراتژیک برای دولت پاکستان برخوردار است. وجوه ارسالی از میلیون‌ها مهاجر پاکستانی در خلیج فارس به‌طور قابل توجهی اقتصاد پاکستان را تقویت می‌کند. براساس آخرین داده‌های بانک مرکزی پاکستان، میلیون‌ها نفر از اتباع این کشور، سالانه حدود ۲۴ میلیارد دلار ارز به پاکستان ارسال می‌کنند، تا جایی که ارزآوری این افراد برای ذخایر ارزی پاکستان بسیار مهم تلقی می‌شود. پاکستان همچنین بر حفظ روابط متوازن بین کشورهای خلیج فارس و ایران تأکید می‌کند و از حل مسالمت‌آمیز مناقشات در منطقه حمایت می‌کند. کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز سرمایه‌گذاری قابل توجهی در پاکستان کرده‌اند و در طول بحران‌های مالی پاکستان کمک‌های اقتصادی زیادی به این کشور داشته‌اند. علاوه بر اینکه پاکستان روابط خود را با قدرت‌های بزرگی مانند ایالات متحده و چین متعادل دنبال می‌کند، رابطه با کشورهای حوزه خلیج فارس برای ثبات اقتصادی و دیپلماسی منطقه‌ای اسلام‌آباد از اهمیت بالایی برخوردار است. سیاست راهبردی پاکستان در قبال عربستان سعودی بر تعمیق یک مشارکت طولانی‌مدت روابط در حوزه‌های اقتصادی، دفاعی و فرهنگی متمرکز است. این رابطه با ارزش‌های دینی مشترک و یک ارتباط اقتصادی قوی تقویت می‌شود، همچنانکه حدود دو میلیون و نیم کارگر پاکستانی در عربستان سعودی درآمد‌های ارزی خود را به پاکستان می‌فرستند. در حالی که پاکستان نیروی کار ماهر و جوان مورد نیاز بخش‌های رو به رشد عربستان سعودی به‌ویژه طرح‌های بلندپروازانه را تأمین می‌کند، سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در بخش‌هایی مانند پروژه‌های انرژی، معدن و زیرساخت پاکستان نیز نقش مهمی در توسعه اقتصادی پاکستان دارند. از طرف دیگر، عربستان در حوزه‌های امنیتی و نظامی به پاکستان نیازمند است. عربستان سعودی چشم‌اندازهای قابل توجهی را در تقویت روابط خود با پاکستان ترسیم می‌کند؛ به‌ویژه که هر دو کشور برای تقویت همکاری‌های اقتصادی و استراتژیک تلاش می‌کنند. از همین منظر است که شاهد رفت‌وآمد هیئت‌های مختلف میان دو کشور در طول سال هستیم. با این چشم‌انداز، عربستان سعودی برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود، اقدام به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی پاکستان کرده است. از جمله طرح ده میلیارد دلاری ساخت یک پالایشگاه و مجتمع پتروشیمی در بندر گوادر، که می‌تواند وضعیت عربستان سعودی را در لجستیک انرژی منطقه‌ای بهبود بخشد. در عین حال، مشارکت عربستان سعودی در کریدور اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) روابط اقتصادی را بیشتر تقویت می‌کند و از موقعیت استراتژیک پاکستان برای مسیرهای امن انرژی به چین و فراتر از آن استفاده می‌کند. حمایت سعودی‌ها از زائران پاکستانی حج که قرار است در سال ۲۰۲۵ به ۱۸۰ هزار زائر برسند نیز حائز اهمیت است. وجود اماکن مقدسه مکه و مدینه باعث اهمیت عربستان در پاکستان شده است و سالانه میلیون‌ها زائر پاکستانی جهت زیارت به این کشور سفر می‌کنند. پاکستان تنها کشوری است که بر مبنای اسلام شکل گرفته و از این منظر روابط با کشورهای اسلامی به‌ویژه عربستان برای این کشور دارای اولویت است. اکثریت اهل سنت این کشور که حدود ۸۰ درصد جمعیت پاکستان را تشکیل می‌دهند، برای رهبران دینی و مذهبی عربستان سعودی احترام ویژه‌ای قائلند. بر همین اساس نیز، عربستان اقدام به فعالیت‌های مختلف مذهبی از جمله ساخت مساجد، تأسیس دانشگاه و مدارس مذهبی در شهرهای مختلف پاکستان کرده و کمک‌های بلاعوض به موسسات مذهبی این کشور نموده است. نکته دیگر اینکه رهبران و سیاستمداران پاکستان از جمله نواز شریف و بنی‌ظفر بوتویس از برکناری از قدرت، به عربستان سعودی و امارات نقل مکان کردند. این هم‌نشان از روابط نزدیک خاندان‌های مهم پاکستانی با رهبران این کشور دارد. در کنار همکاری‌های گسترده فوق‌الذکر، یک مسئله چالشی بین دو کشور، مسئله کشمیر است. در سال‌های اخیر عربستان با نزدیک شدن به هند و وعده سرمایه‌گذاری ده‌ها میلیارد دلاری به این کشور، از موضع پاکستان در قبال مسئله کشمیر به صورت جدی حمایت نمی‌کند و این مسئله باعث آزردهی خاطر اسلام‌آباد از ریاض شده است.

محمدحسین لطف‌اللهی
خبیرنگار گروه بین‌الملل

صبح روز چهارشنبه ۶ نوامبر، نتایج اولیه انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده اعلام و مشخص شد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا که برای اروپایی‌ها یادآور سیاست‌های دردناکی نظیر اعمال تعرفه و تهدید به عدم اجرای تعهدات ایالات متحده در ناتو است از ژانویه ۲۰۲۵ به کاخ سفید بازمی‌گردد. عصر همان روز خبری به مراتب شوکه‌کننده‌تر منتشر شد؛ ائتلاف سه‌حزبی حاکم در آلمان فروپاشید و در شرایطی که اتحادیه اروپا بیش از هر زمان دیگری به رهبری قاطع و اتخاذ تصمیمات سخت نیاز دارد، برلین خلا سیاسی و رقابت احزاب برای انتخابات زودهنگام را تجربه خواهد کرد.

در بسیاری از کشورهایی که سیستم پارلمانی در آن‌ها حاکم است، فروپاشی ائتلاف حاکم، برگزاری انتخابات زودهنگام و قدرت گرفتن ائتلافی جدید امری عجیب و دور از انتظار نیست اما در آلمان طی ۷۵ سال تجربه دموکراسی در آلمان غربی و سپس آلمان متحد تا پیش از این تنها سه بار این اتفاق رخ داده است.

اولاف شولتس، صدراعظم آلمان و رهبر حزب سوسیال‌دموکرات روز چهارشنبه کریستین لیندنر، وزیر دارایی کابینه از حزب دموکرات‌های آزاد را اخراج کرد. در پی این اتفاق، تمامی وزرای کابینه از حزب دموکرات‌های آزاد استعفا دادند و این حزب از ائتلاف با سوسیال‌دموکرات‌ها و سبزها کناره‌گیری کرد. یکی از این وزرا یک روز بعد اعلام کرد در کابینه می‌ماند و از حزب کناره‌گیری می‌کند. این ائتلاف که به خاطر رنگ احزاب به ائتلاف چرخ راهنمایی معروف بود با کناره‌گیری دموکرات‌های آزاد، اکثریت خود را در پارلمان از دست داد و آلمان حالا باید با تبعات این مسئله دست و پنجه نرم کند.

صدراعظم آلمان گفته است که در واکنش به این شرایط در روز ۱۵ ژانویه ۲۰۲۵ درخواست رای اعتماد از پارلمان خواهد کرد. در صورت شکست دولت در گرفتن رای اعتماد، انتخابات زودهنگام در اواخر ماه مارس یعنی ۶ ماه زودتر از موعد مقرر برای برگزاری انتخابات (سپتامبر ۲۰۲۵) برگزار خواهد شد.

▼ انتخابات زودهنگام در آلمان عادی است؟

آلمان یکی از کشورهایی است که به ثبات سیاسی شناخته می‌شود و قدرت در این کشور عموماً بین سوسیال‌دموکرات‌ها و دموکرات‌مسیحی‌ها جابه‌جا شده است. صدراعظم قبلی آلمان یعنی آنگلا مرکل برای ۱۶ سال قدرت را در اختیار داشت و این مسئله به او فرصت داد در اتحادیه اروپا، جایی که رهبران دیگر می‌آمدند و می‌رفتند جایگاهی بی‌نظیر پیدا کند.

براساس قانون اساسی آلمان در دو حالت امکان برگزاری انتخابات زودهنگام وجود دارد؛ در سناریوی اول، اگر یک کاندیدا یا یک صدراعظم موفق به کسب اکثریت آرا در بوندستاگ (پارلمان آلمان) نشود و دست کم ۳۶۷ رای از مجموع ۷۳۳ رای را کسب نکنند، رئیس‌جمهور آلمان می‌تواند پارلمان را منحل کرده و انتخابات زودهنگام برگزار کند. این اتفاق هیچ‌گاه در تاریخ آلمان رخ نداده است.

در سناریوی دوم، صدراعظم می‌تواند خواستار برگزاری جلسه رای اعتماد در بوندستاگ شود تا ببیند آیا همچنان آرای اکثریت را در اختیار دارد یا نه. اگر صدراعظم در جلب آرای اکثریت شکست بخورد او می‌تواند رسماً از رئیس‌جمهور درخواست کند تا پارلمان را ظرف ۲۱ روز منحل کرده و طی کمتر از ۶۰ روز انتخابات جدید برگزار کند. تاکنون ۳ بار در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۸۳ و ۲۰۰۵ این اتفاق رخ داده است.

در سال ۱۹۷۲، ویلی برنت، صدراعظم وقت آلمان از حزب سوسیال‌دموکرات در پی اختلافات عمیق با موافقان در خواست برگزاری جلسه رای اعتماد کرد تا در این جلسه شکست بخورد و بتواند خواستار برگزاری انتخابات شود. او پس از شکست قابل انتظار در جلسه رای اعتماد، توانست در انتخابات با مشارکت تاریخی ۹۱ درصدی پیروز شود و حزب سوسیال‌دموکرات در آن انتخابات با کسب ۴۵/۸ درصد آرا بهترین نتیجه خود را در تمام انتخابات‌ها تاکنون کسب کرد.

انتخابات زودهنگام بعدی در سال ۱۹۸۲ برگزار شد. هلموت کهل، صدراعظم آلمان در آن زمان که نه در پی انتخابات جدید که با شکل‌گیری ائتلافی جدید در پارلمان توانست قدرت را به دست گیرد، به منظور تقویت جایگاه و مشروعیت دولت خود تصمیم گرفت خواهان برگزاری جلسه رای اعتماد شود و در آن شکست بخورد. هرچند که این اقدام او با چالش‌هایی قانونی همراه بود اما کهل در نهایت به خواسته خود رسید و با پیروزی در انتخابات ۶ مارس ۱۹۸۳ بار دیگر به عنوان صدراعظم انتخاب شد.

تحولات
اروپاشکاف
در اردوی
ژرمن‌هاآلمان در بدترین زمان ممکن
با خلاقیت و بی‌ثباتی سیاسی
مواجه خواهد بود

نکس، کابینه اولاف شولتس، صدراعظم آلمان با بحران جدی مواجه شده است (AFP)

سومین انتخابات زودهنگام در سال ۲۰۰۵ و با قمار گره‌دار شودر اتفاق افتاد. شودر، صدراعظم وقت آلمان باور داشت که بر خلاف پارلمان، جامعه با تصمیمات او موافق است و در نتیجه تلاش کرد تا از مسیری که پیشتر برنت و کهل طی کرده بودند، بار دیگر قوی‌تر از قبل به قدرت بازگردد اما او در آن انتخابات به مرکل باخت تا شرایط متفاوتی در آلمان پدید آید.

▼ ائتلاف چرخ راهنمایی در چه وضعیتی قرار دارد؟

از نخستین روز ائتلاف، همکاری سه حزب با سه نگاه کاملاً متفاوت یک چالش بزرگ برای سوسیال‌دموکرات‌ها بود که این ائتلاف را رهبری می‌کردند. در این ائتلاف، دموکرات‌های آزاد به عنوان حزبی متمرکز بر موضوعات اقتصادی و باورمند به بازار آزاد شناخته می‌شدند اما در سوی دیگر سبزها و سوسیال‌دموکرات‌ها قرار داشتند که به افزایش نقش دولت در اقتصاد و تخصیص بودجه برای حفظ محیط زیست معتقد بودند و همین امر دولت را که باید در خصوص سیاست‌های مورد نیاز برای احیای اقتصادی آلمان تصمیم‌گیری می‌کرد در موقعیت سختی قرار داد.

مجموعه این اختلافات در کنار تحولات بین‌المللی باعث شد تا محبوبیت سوسیال‌دموکرات‌ها به سرعت کاهش یابد و در مقابل محبوبیت احزاب راست‌گرا و راست افراطی افزایش پیدا کند.

براساس گزارش نشریه تایمز در حال حاضر نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که در صورت برگزاری انتخابات، حزب دموکرات‌مسیحی با کسب بیش از ۳۰ درصد آرا پیشتاز خواهد بود. در یک شگفتی حزب راست افراطی آلترا ناتیو برای آلمان در جایگاه دوم قرار خواهد داشت و دو حزب سوسیال‌دموکرات و سبزها نیز در جایگاه‌های بعدی قرار خواهند گرفت.

برای مقابله با این وضعیت و احیای محبوبیت، دولت شولتس برخی سیاست‌های راست‌گرایانه نظیر اخراج پناهجویان و افزایش کنترل‌های مرزی را در دستور کار قرار داده اما این سیاست‌ها تأثیر قابل توجهی بر محبوبیت دولت و ائتلاف حاکم بر آن نداشته است.

▼ چه مشکلاتی باعث فروپاشی ائتلاف شد؟

موضوعات اقتصادی مهم‌ترین عامل اختلاف در دولت بود و این اختلافات بر سر موضوع بودجه به اوج خود رسید. در حالی که اولاف شولتس، صدراعظم آلمان، بر اجرای سیاست‌های مالی گسترده برای تقویت رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها تأکید داشت، لیندنر به عنوان وزیر دارایی، با رویکردی محتاطانه‌تر، بر پایبندی به اصول مالی سالم و محدودیت‌های بودجه‌ای قانونی اصرار می‌ورزید. این اختلاف نظر عمیق، به بن‌بست در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دولت منجر شده بود.

شولتس با متهم کردن لیندنر به مانع‌تراشی در برابر برنامه‌های اقتصادی دولت، تصمیم به برکناری وی گرفت. لیندنر نیز در مقابل، شولتس را متهم به تلاش برای دور زدن قوانین مالی و نقض اصول اساسی بودجه‌ریزی کرد. شولتس پس از برکناری وزیر دارایی گفت: «لیندنر بارها به اعتماد من ضربه زده و دیگر مبنای اعتمادی برای همکاری بیشتر وجود ندارد.» او با بیان این‌که وزیر دارایی خواهان سیاست اقتصادی اساساً متفاوتی شده است، اضافه کرد: «او بیشتر نگران اطرافیان و بقای حزب خودش است.»

لیندنر در واکنش به اظهارات تند شولتس، صدراعظم را به «تجزیه حساب‌شده ائتلاف» متهم کرد و گفت، شرکای ائتلاف پیشنهادات حزب‌اش برای رونق اقتصاد را «به عنوان مبنایی برای بحث» قبول نکرده‌اند.

صدراعظم آلمان گفته است پیشنهادات وزیر دارایی شامل کاهش مالیات به ارزش میلیاردی رو برو برای چند نفر از افراد ارشد و در عین حال کاهش حقوق بازنشستگی برای همه بازنشستگان است.

کارستن برزسکی، اقتصاددان ارشد بانک هلندی ING، «تنش‌های پایان‌ناپذیر» در دولت آلمان و همچنین «اختلاف نظر آشکار در مورد چگونگی خارج کردن اقتصاد آلمان از وضعیت فعلی رکود و ضعف ساختاری» را به‌عنوان دلایل فروپاشی دولت ذکر کرد.

صدراعظم آلمان گفته است که اقتصاد بحران‌زده آلمان نمی‌تواند تا پس از انتخابات برای اقدام دولت صبر کند. این در شرایطی است که تصویب قوانین جدید و بستن حفره میلیاردی یورویی در بودجه ۲۰۲۵ برای سوسیال‌دموکرات‌ها و سبزها آسان‌تر نخواهد شد، زیرا دولت آن‌ها دیگر اکثریت را در پارلمان آلمان ندارد.

در این میان وزرای حزب دموکرات‌های آزاد آلمان در دولت (شامل وزرای دارایی، دادگستری، حمل و نقل و آموزش) لزوماً نیازی به جایگزین کردن ندارند. در این میان تنها پست وزیر دارایی در قانون اساسی نامگذاری شده است، به این معنی که شولتس باید برای آن سرپرست تعیین کند.

برای این سمت گزینه‌هایی از اطرافیان صدراعظم آلمان مطرح شده‌اند. با این حال شولتس که خود پیش از این وزیر دارایی بوده است نیز می‌تواند در کنار پست فعلی این سمت را نیز بر عهده بگیرد.

فردریش مرتس از حزب راست میانه دموکرات‌مسیحی مدت‌هاست خواستار برگزاری انتخابات زودهنگام برای جایگزینی دولتی شده است که به گفته وی، توانایی عمل را از دست داده است.

اپوزیسیون می‌تواند از کمک به دولت حاکم سر باز بزند، با این حال این عمل یک معضل دیگر را در پی دارد. چراکه امتناع از کمک به شولتس در تنظیم بودجه می‌تواند